



انسان شناسی مدرن انسان را فقط قدری پیچیده‌تر از دیگر حیوانات می‌داند/ مارکس انسان را حیوان اقتصادی می‌داند

یک عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در درس گفتار نقد ایدئولوژیهای مدرن با بیان اینکه انسان شناسی مدرن، انسان را فقط قدری پیچیده‌تر از دیگر حیوانات می‌داند و تفاوتها را کمی می‌داند نه کیفی، گفت: انسان شناسی مدرن معتقد است انسان همان حیوانات تکامل یافته هستند و ماهیت انسان تغییری نیافته است.

یک عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در درس گفتار نقد ایدئولوژیهای مدرن با بیان اینکه انسان شناسی مدرن، انسان را فقط قدری پیچیده‌تر از دیگر حیوانات می‌داند و تفاوتها را کمی می‌داند نه کیفی، گفت: انسان شناسی مدرن معتقد است انسان همان حیوانات تکامل یافته هستند و ماهیت انسان تغییری نیافته است. به گزارش خبرگزاری مهر، به همت مدیریت نخبه پروری و شبکه سازی کانون اندیشه جوان با تدریس شهریار زرشناس، هشتمین جلسه از دور دوم درسگفتار نقد ایدئولوژی‌های مدرن برگزار شد.

وی در ابتدای این جلسه گفت: مدرنیست‌ها می‌گویند دین، تخیل است اما واقعیت این است که بخش عمده‌ای از علم مدرن، تخیل و داستان‌بافی است.

وی در ادامه ضمن اشاره به اینکه تلقی حیوان اقتصادی بودن انسان مختص مارکسیسم نیست بلکه تمام عالم مدرن این دیدگاه را دارد، اظهار داشت: بحثی که ما در مورد اهمیت اقتصادی زندگی بشر می‌کنیم با اینکه حقیقت انسان را به گونه‌ای تعریف کنیم که او را حیوانی اقتصادی بدانیم تفاوت دارد. آن‌چه که در غرب مدرن رخ می‌دهد این است که حقیقت انسان را در حیوانیت می‌داند و اساس حیوانیت این موجود را نیز در معاش جست‌وجو می‌کند.

عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی بیان کرد: اگر شاکی انسان شناسی غرب مدرن را در آثار طلیعه داران غرب مدرن نظیر لورنزو والا، پیکودلا میراندلا، نیکولو ماکیاولی و به خصوص توماس هابز بررسی کنیم می‌توانیم بفهمیم که تفسیر مارکس دقیقا در امتداد همان نگاهی است که در رنسانس ارائه شده است.

زرشناس اضافه کرد: انسان شناسی مدرن، انسان را فقط مقداری پیچیده‌تر از دیگر حیوانات می‌داند و تفاوتها را کمی می‌داند نه کیفی یعنی معتقد است انسان همان حیوانات تکامل یافته هستند و ماهیت انسان تغییری نیافته است.

این استاد دانشگاه، انسان شناسی طبیعی مدرن را دارای تناقضات فراوان دانست و گفت: از بعد داروین تا کنون هر دو دهه یکبار، نسخه جدید از روند تکامل ارائه شده است که همگی هم با یکدیگر تفاوت دارند ضمن این‌که هیچ سندی در خصوص ادعای داروینیست‌ها در مورد وجود موجوداتی که نامشان را پریما‌ها گذاشته‌اند وجود ندارد مشکل دیگر نیز پیدا شدن فسیلهایی است که تمام این شاخه‌های تکاملی را زیر سؤال برده است.

وی افزود: مدرنیست‌ها می‌گویند دین شامل مجموعه‌ای تخیلات است اما در واقع بخش عمده‌ای از علم مدرن، مجموعه‌ای از خیالات و داستان‌بافی‌ها است.

زرشناس در ادامه چهار مطلب را نکات مهم در ماتریالیسم تاریخی مارکس دانست و گفت: اولین نکته این است که در دیدگاه مارکس، انسان حیوان اقتصادی است. البته این تعریف مدرنیست‌ها از یک جنبه صحیح است، زیرا اینها انسانی که دیده بودند را تعریف می‌کردند، انسان‌هایی که همه تلاششان برای سودجویی بود و به تنها چیزی که می‌اندیشیدند لذت بیشتر بود، اما ایراد کار متفکران مدرن این بود این دیدگاه را نسبت به همه انسان‌ها تعمیم دادند.

این استاد دانشگاه در ادامه سخنانش گفت: دومین نکته این است که در دیدگاه مارکس آن چیزی که انسان را متحول کرده، کار است. این نکته را باید مد نظر داشت که مفهوم کار در دوران‌های مختلف، تفاوت داشته است. در دوران ماقبل مدرن یونانی، کار به معنای یک امر نکبت بار ولی ضروری مطرح است و انسان آزاد کسی است که از کار رها باشد. در نگاه قرون وسطایی کار عبارت است از تصرفی که انسان در طبیعت به منظور رفع نیازهای خود و خانواده‌اش انجام می‌دهد و بیشتر نیازهایش را از طریق زمین و حیواناتش به دست می‌آورد به همین دلیل پول در جامعه چندان اهمیتی ندارد و کسی به دنبال درآمد بیشتر نیست.

زرشناس تصریح کرد: اما در مفهوم مدرن، کار اصلا برای رفع نیاز شخصی نیست؛ تولید برای مبادله است نه رفع نیازهای شخصی در مرحله کارخانه‌ای نیز این رویه تشدید می‌شود؛ رابطه شخص با کل پروسه تولید قطع شده و فرد فقط باید یک بخش را در دست بگیرد و انجام دهد. کار مدرن حالت فزاینده دارد یعنی یا کار باید بیشتر شود یا بازدهی کار ضمن این که کار مدرن در جهت بسط استیلای سودمحورانه انسان بر محیط است.

وی افزود: سومین نکته این است که در دیدگاه مارکس، شیوه تولیدی انسان در هر دوره تاریخی تعیین کننده ماهیت آن دوره است و چهارمین نکته‌ای که در جلسات بعد به بسط آن می‌پردازیم تقسیم بندی دوره‌های تاریخی به کمون اولیه، برده‌داری، فئودالیسم، سرمایه‌داری بورژوازی و کمونیسم است.

زرشناس در پایان سخنانش اذعان کرد: تفاوت مارکسیسم به عنوان یک ایدئولوژی با دیگر ایدئولوژی‌های مدرن در این است که

مارکسیسم یک نوع رادیکالیسم ضد سرمایه‌داری را مطرح می‌کند، در واقع تلقی مارکس این است که مدرنیته راه درستی است اما سرمایه‌داری (بورژوازی) در مسیر مدرنیته انحراف ایجاد کرده است.